مقالهٔ علمی-پژوهشی

وجوه اثرپذیری محمدعلی فروغی در مکاتبات از منشآت قائم‌مقام (از تقلید تا نوآوری)

عفت نقابی*

نیلوفر عبداللهی**

چکیده

محمدعلی فروغی از رجال صاحب‌نام معاصر در حوزهٔ سیاست، فرهنگ و حقوق به‌شمار می‌رود. دو وجههٔ سیاسی و فرهنگی او، انگیزهٔ نگارش مکاتباتی مرتبط با این موضوع‌ها بوده است. به‌سبب آشنایی فروغی با ادبیات کهن و دلبستگی به فرهنگ ایران، نامه‌های او علاوه‌بر آثار کهن ادبی، از ساختار منشآت پیشینیان تأثیر پذیرفته است. با نگاهی به این مکاتبات می‌توان تأثیر منشآت قائم‌مقام فراهانی را به‌وضوح مشاهده کرد. او درعین تقلید از سبک قائم‌مقام، در نامه‌ها، نوآوری‌هایی نیز داشته است. با عنایت به این مسئله، در مقالهٔ حاضر، با درنظرداشتن منشآت قائم‌مقام به‌منزلهٔ نمونه‌ای از سبک بازگشت، میزان نوآوری و تأثیرپذیری فروغی از مکاتبات قائم‌مقام بررسی شده است. به‌همین‌منظور، ۱۱نامه از نامه‌های فروغی از کتاب *سیاست‌نامهٔ ذکاءالملک* و *۱۱ نامه از منشآت قائم‌مقام*، در سه حوزهٔ دوستانه، سیاسی و اجتماعی، واکاوی شده است. یافته‌ها نشان داد که اگرچه فروغی در ساختار نامه‌ها، شگردهای ادبی و ویژگی‌های زبانی از نامه‌های قائم‌مقام متأثر است، در حوزهٔ محتوا و مفاهیم نوآوری‌هایی داشته است. نوآوری ذکاءالملک در تلفیق سبک بازگشت با مفاهیم اجتماعی-سیاسیِ مدرن است. فروغی در نگارش نامه‌ها به اوضاع زمانه و فهم مردم توجه ویژه داشته است؛ ازاین‌رو، علاوه‌براینکه از سبک بازگشت (و به‌طور خاص منشآت) متأثر بوده، با برخی شگردها و ظرایف بیانی نقاط ضعف آن را برطرف کرده است. فروغی با استفاده از این شیوهٔ نگارش، به دو هدفِ جلب نظر مخاطبان به ترویج فرهنگ و ادبیات فارسی و رساندن مفاهیم نوگرایانه، درکنار گزارش مسائل روز جامعه دست یافته است. در نامه‌های سیاسی و اجتماعی او شاهد تقلید از متون دشوار ادبی-تاریخی هستیم، اما مکاتبات دوستانهٔ او به‌سبب الگوبرداری از متون غنایی، لطافت و دل‌انگیزی خاصی دارد؛ به‌طوری‌که خواندن این نامه‌ها نسبت به نامه‌های اجتماعی التذاذ ادبی بیشتری به خواننده می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: محمدعلی فروغی، قائم‌مقام فراهانی، *منشآت*، سبک بازگشت، نامه‌های سیاسی، اخوانیات.

*دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)، e.neghabi@khu.ac.ir

**پژوهشگر پسادکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، nsabdollahy@ut.ac.ir

تاریخ دریافت:۱۴۰۲/۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۳

دوفصلنامهٔ زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، سال ۳۲، شمارهٔ۹۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، صص۲۳۷-۲۶۳

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]

[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]

[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

Aspects of Muhammad Ali Foroughi's Letters Influenced by Farahani's *Monsha'at*: From imitation to innovation

Effat Neghâbi*
Niloofar Sâdât Abdollâhi**

Abstract

Mohammad Ali Foroughi (also known as Zoka-ol-Molk) is regarded as one of the well-known contemporary Iranian men in politics, culture, and law. His political and cultural careers motivated him to correspond with many educated friends about these issues. Due to Foroughi's familiarity with ancient literature and his attachment to Iranian culture, his letters have been influenced by the style of his predecessors in addition to the earlier literary works. By perusing these letters, one can visibly see the influence of Ghaem Magham Farahani's Monsha'at (Letters). While imitating the style of Farahani, Foroughi had innovations in his letters. The present article aims to reveal the extent of Foroughi's innovation and his being influenced by Ghaem Magham's letters by considering Farahani's letters as an example of the return style. In the current study 11 letters from Foroughi, collected in Zoka-ol-Molk's policy book, and 11 letters from Ghaem Magham's Monsha'at, fallen into friendship, politics, and social categories, were analyzed. It was found that although Foroughi was influenced by the letter styles, literary techniques, and linguistic features of Farahani's letters, he made innovations in their contents and concepts. Zoka-ol-Molk's innovations can be seen in combining the return style with modern socio-political concepts. In writing letters, Foroughi paid special attention to the temporal conditions and people's understanding. Therefore, besides being influenced by the return style (especially that of Monsha'at), he overcame its weaknesses with some expressive tricks and subtleties. By using this way of writing, Foroughi has achieved the goals of attracting the attention of the audience to promoting Persian culture and literature and conveying modern concepts along with reporting on current social issues. In his political and social letters, we see him imitating demanding literary-historical texts; while his friendly letters are very tender and heartwarming due to imitating lyrical texts. Hence, reading these letters gives the reader more literary pleasure than social letters.

Keywords: Muhammad Ali Foroughi, Qâem Maqâm Farahani, Monsha'at, Return Style, Political Letters, Ekhvâniyât.

* Associate Professor of Persian Lanuge and Literature, Kharazmi University, Tehran, Iran, (Corresponding Author), *e.neghabi@khu.ac.ir*

** Postdoctoral Researcher in Persian Language and Literature, Kharazmi University of Tehran, Iran, *NSAbdollahy@ut.ac.ir*

۱. مقدمه

نامه‌نگاری از اشکال رایج برقراری ارتباط میان دو سوی مذاکره/ مخاطبه به‌شمار می‌رود. در هریک از دو سو، فرد یا افرادی حضور دارند که با هدف اطلاع‌رسانی و سوق‌دادن مخاطب به‌سوی هدفِ خود، درقالب نوشته با یکدیگر سخن می‌گویند. مفاهیمی که در نامه‌ها به‌صورت‌های مختلف بیان می‌شوند، به سطح دانش و درک نویسنده و مخاطب نامه وابسته است. در لابه‌لای بسیاری از آثار ادبی منظوم و منثور، نامه‌هایی مشاهده می‌شود؛ ازاین‌رو، ساختار مفهومی و صوری مکاتبات از دوره‌های آغازین شعر و ادب فارسی مورد توجه بوده است. نامه‌های نقل‌شده در *شاهنامه* و متونی از این دست گواه این مدعاست. در سبک خراسانی و عراقی (خواه نظم یا نثر) جزئیات نامه‌نگاری به‌دقت رعایت می‌شود. این شیوه در دورهٔ بازگشت، مجدداً مورد توجه قرار گرفت و ویژگی‌های زبانی آن، همچون کاربرد واژه‌های کهن، ساخت‌های دستوری قدیمی و نقل شواهدی از ادب فارسی و عربی، بار دیگر به متون ادبی بازگشت. درواقع، در دورهٔ بازگشت، شاهد نگاهی دوباره به تاریخ ادب فارسی هستیم. نگارندگان این سبک، در صورتِ آثارشان از ادبیاتِ کهن بهره گرفته‌اند، ولی به مفاهیمِ مطرح در زمانهٔ خودشان کم‌توجهی کرده‌اند. به‌همین‌سبب، ادبیات در عهد بازگشت همچنان در انحصار طبقهٔ باسواد و مرفه جامعه ماند و طبقهٔ متوسط جامعه از آن نصیبِ چندانی نیافت. نامه‌نگاری نیز مانندِ سرایش اشعار و نگارش آثار منثور در این عهد به‌صورت تقلیدی صِرف از ادب کهن درآمد. این‌شیوه، اندک‌اندک رو به دشواری گذاشت، به‌طوری‌که درک این متون تنها برای عده‌ای خاص میسر بود. دراین‌میان، قائم‌مقام فراهانی شخصیتی نوآور است. او در نگارش *منشآت*، درکنار حفظ لطافت بیان، نگاهی تازه را به ادبیات وارد کرد. نمایندهٔ شایستهٔ این نگاه در دوره‌های بعد محمدعلی فروغی است. قائم‌مقام و فروغی از دیدگاه شخصیت، دانش ادبی و مسئولیت‌های اجتماعی‌ای که برعهده داشتند، با هم مشابهت دارند؛ به‌گونه‌ای‌که می‌توان فروغی را همتای قائم‌مقام در سال‌های پایانی سلطنت قاجاریه و تمام دورهٔ پهلوی دانست. این شباهت در نوشته‌های ایشان هم آشکار است. با عنایت به این مسئله، در این مقاله، نامه‌های محمدعلی فروغی و منشآت قائم‌مقام فراهانی واکاوی شده است تا ازاین‌طریق وجوه اشتراک نامه‌ها و تأثیرپذیری فروغی از منشآت مطالعه و نوآوری‌های فروغی در نامه‌ها مشخص شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

۱.۱. پیشینهٔ پژوهش

تحقیقاتی را که درباب منشآت قائم‌مقام صورت گرفته است می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: دستهٔ نخست، به بررسی سبک منشآت ازنظر شیوه و متونی که از آنها تقلید شده است پرداخته‌اند. این‌دسته بیشتر *گلستان* سعدی را در نظر داشته‌اند. ازجمله پژوهش‌های ذیل: «مقایسهٔ سبکی منشآت قائم‌مقام و گلستان سعدی» (علامی و کیانیان، ۱۳۸۹)؛ «بررسی استشهاد به‌عنوان یک آرایهٔ تعلیمی در منشآت قائم‌مقام در مقایسه با گلستان سعدی» (بیرنگ و تجلیل، ۱۳۹۶)؛ «مقایسهٔ بیانی گلستان سعدی و منشآت قائم‌مقام فراهانی» (آشوری و همکاران، ۱۴۰۱).

دستهٔ دوم این پژوهش‌ها، به مفردات و عبارات منشآت مربوط است که محققان به بررسی واژه‌ها و عبارات کاربردی در نامه‌های قائم‌مقام پرداخته و منشأ آنها را بیان کرده‌اند. مقالهٔ «کاربرد زبان عامیانه، یکی از خصائص سبکی منشآت قائم‌مقام» (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۴) از این نوع است. دستهٔ آخر هم به منشآت نگاهی محتوایی داشته‌اند. دو مقالهٔ «نگرشی بر مؤلفه‌های تربیتی و اخلاقی در بهارستان جامی و منشآت قائم‌مقام» (حسنی و صحرایی، ۱۳۹۹) و «تحلیل گفتمان منشآت خانوادگی قائم‌مقام فراهانی براساس نظریهٔ کاربردشناسی اصول ادب» (ایشانی و همکاران، ۱۴۰۰) در این گروه قرار می‌گیرند.

مطالعات درباب نامه‌های فروغی، در مرتبهٔ نخست، ناظر بر گردآوری دقیق است. نامه‌ها و خطابه‌های فروغی در کتاب *سیاست‌نامهٔ ذکاءالملک* (فروغی، ۱۴۰۰) گردآوری شده است. برخی تحقیقات هم به محتوای مکاتبات او ازمنظر تحلیل‌های سیاسی و تاریخی توجه کرده‌اند که به‌سبب تفاوت رویکردشان با مقالهٔ حاضر از ذکر آنها چشم‌پوشی می‌کنیم. با توجه به پژوهش‌های پیشین، باید گفت تاکنون سبک فروغی در نگارش نامه‌ها و نیز ظرایف بلاغی و متون اثرگذار بر این نگاشته‌ها در تحقیقات علمی موردتوجه قرار نگرفته است. در مقالهٔ حاضر به این موضوع پرداخته شده است.

۱.۲. روش و دامنهٔ پژوهش

موضوع پژوهش، بررسی نامه‌های فروغی و منشآت قائم‌مقام است. دامنهٔ پژوهش ۱۱ نامه از نامه‌های فروغی، گردآوری‌شده در کتاب *سیاست‌نامهٔ ذکاءالملک* و *۱۱ نامه از منشآت قائم‌مقام* است که به‌سبب اهمیت مورد بررسی قرارگرفته است. این نامه‌ها در سه حوزهٔ دوستانه،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

سیاسی و اجتماعی نگاشته شده‌اند. نامه‌های فروغی و قائم‌مقام از دیدگاه محتوایی و به‌ترتیب شمارهٔ صفحه در مراجعِ مقاله در جدول‌های زیر دسته‌بندی شده‌اند:

جدول ۱. نامه‌های فروغی

Table 1. Foroughi's Letters

شماره	عنوان نامه و شمارهٔ صفحه در منبع	موضوع
۱	نامه به ابراهیم حکیم‌الملک/ ص۶۵	دوستانه/اجتماعی
۲	نامهٔ خصوصی به محمود وصال/ ص۷۷	دوستانه
۳	نامهٔ ذکاءالملک به تقی‌زاده (۱)/ ص ۹۵	دوستانه/سیاسی/ اجتماعی
۴	نامهٔ ذکاءالملک به تقی‌زاده (۲)/ ص ۹۷	دوستانه/سیاسی/ اجتماعی
۵	نامهٔ ذکاءالملک به تقی‌زاده (۳)/ ص ۱۰۰	دوستانه/سیاسی/ اجتماعی
۶	نامهٔ ذکاءالملک به تقی‌زاده (۴)/ ص ۱۰۴	دوستانه/سیاسی/ اجتماعی
۷	نامه به مستشارالدولهٔ صادق (سفیرکبیر ایران در ترکیه) (۱)/ ص ۱۸۹	اجتماعی/ دوستانه
۸	نامه به مستشارالدولهٔ صادق (سفیرکبیر ایران در ترکیه) (۲)/ ص ۱۹۳	اجتماعی
۹	نامه به مستشارالدولهٔ صادق (سفیرکبیر ایران در ترکیه) (۳)/ ص ۱۹۴	اجتماعی/ دوستانه
۱۰	نامه به مستشارالدولهٔ صادق (سفیرکبیر ایران در ترکیه) (۴)/ ص ۱۹۵	اجتماعی
۱۱	پاسخ به دکتر مصدق (ازجملهٔ اسناد تازه‌یاب)/ ص ۲۸۸	سیاسی

جدول ۲. نامه‌های قائم‌مقام

Table 2. Qa'im Maqam's Letters (monshaʾat)

شماره	عنوان نامه و شماره صفحهٔ در منبع	موضوع
۱	کاغذ قائم‌مقام به میرزاصادق وقایع‌نگار در حین مأموریت به جانب بغداد بعد از شکست چوپان‌اوغلی و فتح دولت ایران. ص ۵۱	سیاسی
۲	کاغذ مرحوم قائم‌مقام به میرزاصادق مروی وقایع‌نگار از تبریز در زمان حیات نواب نایب‌السلطنه العلیه. ص ۶۰	اجتماعی/ دوستانه
۳	کاغذ قائم‌مقام به عالی‌جاه میرزابزرگ نوری وزیر نواب امام ویردی میرزا کشیکچی‌باشی در سال مصالحهٔ روسی. ص ۶۸	سیاسی/ اجتماعی/ دوستانه
۴	رقعهٔ قائم‌مقام به میرزابزرگ قبل از مصالحهٔ روس. ص ۷۰	دوستانه/ اجتماعی
۵	کاغذ قائم‌مقام به مخاطب ناشناس. ص ۷۴	دوستانه
۶	کاغذ قائم‌مقام به مخاطب ناشناس. ص ۸۷	دوستانه/ اجتماعی
۷	کاغذ قائم‌مقام به شاهزاده‌خانم همشیرهٔ صلبی و بطنی مرحوم نایب‌السلطنه که کوچ او بود همراه اشعار قائم‌مقام. ص ۱۰۵	سیاسی/ اجتماعی/ دوستانه
۸	مخاطب ناشناس. ص ۸۳	اجتماعی
۹	نامهٔ قائم‌مقام به وقایع‌نگار میرزاصادق مروزی از خراسان نوشته در زمان حیات نواب مستطاب نایب‌السلطنه طاب ثراه. ص ۱۱۹	سیاسی/ اجتماعی/ دوستانه
۱۰	رقیمهٔ قائم‌مقام به فاضل‌خان گروسی. ص ۳۲۲	سیاسی/ اجتماعی/ دوستانه
۱۱	سواد رقمی قائم‌مقام به خط خود بعد از فوت ولیعهد رضوان‌مهد از خراسان به الله‌یارخان آصف‌الدوله از جانب شاهزادهٔ والاتبار که ولایت‌عهد را تمهید اساسی کرده و ترتیب قیاسی آورده است. ص ۲۷۵	اجتماعی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]

[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

ترتیب نقل نامه‌های قائم‌مقام و فروغی براساس مشابهت مناصب دولتی و رخدادهای تاریخی صورت گرفته است. همچنین، کوشش شده است در گزینش نامه‌ها، مشابهت محتوا و مفاهیمی که به آنها پرداخته شده مورد توجه قرار گیرد. روش تحقیق با تکیه بر جزئیات سبک و بلاغت در نامه‌های قائم‌مقام و فروغی و برپایهٔ دسته‌بندی محتوایی بوده است.

۲. بحث

۲. ۱. نامه‌نگاری، هدف، صورت و مفاهیم

در بحث نگارش نامه‌ها (فارغ از زمانهٔ نگارش) سه موضوعِ هدف، معنا و صورت مطرح می‌شود. موضوع مهم و مؤثر بر دو نکتهٔ دیگر، هدف نگارش نامه است. هدف نگارش، مفهوم و صورت را به‌شکل کلی دربردارد. نگارندهٔ نامه، پیش از نگارش، مفهوم کلی را در ذهن می‌پروراند، سپس با درنظرگرفتن مخاطب، آن را در صورت مناسبی سامان می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، نامهٔ هدفمند، به‌سوی صورت بهینه و نهایی حرکت می‌کند. هدف نگارش نامه، نخست انتقال مفاهیم به مخاطب است؛ علاوه‌براین، می‌توان از مواردی جانبی همچون دوراندیشی نگارنده، مخاطب‌شناسی او و گزینش بهترین شیوهٔ انتقال مطلب سخن گفت. نامه‌ها، علاوه‌بر اطلاع‌رسانی، می‌تواند کارکردهای بلاغی همچون تشویق، تحذیر و برانگیختن مخاطب داشته باشد. کارکرد نامه‌هایی که در میان دوستان ردوبدل می‌شوند، بیان احساسات دوستانه همچون دلتنگی، یاد خاطرات گذشته و شوقِ دیدار دوباره است. برخی نگارندگان در نامه‌های سیاسی و اجتماعی ـبرخلاف نامه‌های دوستانهـ اغراضی را دنبال می‌کنند که گاه در نگاه اول قابل تشخیص نیستند، ولی با توجه به کلیت نامه نمایان می‌شوند.

در ظهور و شکل‌گیری سبک بازگشت، حفظ صورت آثار کهن و برقراری ارتباط میان اهل فن بیش از مسائل دیگر اهمیت دارد. ادبای عهد بازگشت ادبی، در جست‌وجوی بازیابی روزگار و محتوای متون دورهٔ ادب خراسان و عراق بودند. بازگشت ادبی، در بهترین صورت، نگاهی واپس‌گرایانه به دوره‌های درخشان ادبیات فارسی است. آثار ادبی سبک‌های خراسانی و عراقی، به‌سبب هم‌خوانی با شرایط تاریخی و اجتماعی، آثاری موفق به‌شمار می‌رفتند. حال‌آنکه در دورهٔ بازگشت شرایط تاریخی و اجتماعی نسبت به دوره‌های قبل، دستخوش تغییرات شد و آثار ادبی این سبک، پاسخگوی نیازهای اجتماعی عصر نبود. دستاورد این دوره، آثاری شبیه به متونِ سبک خراسان و عراق، همچون نمونه‌های تقلیدی (کپی) از نقاشی‌های مشهور است. هرچند

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

این نمونه‌ها در کمال زیبایی آفریده شده، تقلیدی و عاری از اصالت هستند. اگرچه آثار سبک بازگشت بیشتر با هدف نمایش تسلط و آگاهی‌های ادبی نگارندگان آفریده می‌شدند، منشآت قائم‌مقام فراهانی در میان این آثار، به‌منزلهٔ متنی ساده و درعین‌حال شیوا، شایان توجه است.

> قائم‌مقام... یک سیاستمدار مطلع به‌شمار می‌رود. او درعین‌حالی که به سیاست پرداخته در پهنهٔ ادب فارسی صاحب آثار ارزشمندی بوده است. مهم‌ترین اثر او منشآت وی است که حاوی چند رساله و نامه‌های سیاسی و دوستانه است که از جانب پادشاه و ولیعهد به افراد مختلف نوشته است (ذکایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۰).

روش سادهٔ قائم‌مقام نگارش را نسبت به عهد افشاریه و زندیه روان‌تر کرد و در دوره‌های بعد ادامه یافت. برخی پژوهشگران معتقدند: «قائم‌مقام با احاطهٔ ادبی و قدرت قلم خود بساط نثر مغلق و پیچیدهٔ بعد از مغول را که در دورهٔ افشاریه و زندیه به نهایت ابتذال رسیده بود از بین برد و نثر ساده و روان را جانشین آن کرد، که نثر امروز ما دنبالهٔ همان است» (همان).

از نمونه‌های قابل‌توجه که رگه‌هایی از سبک قائم‌مقام را می‌توان در آن دید، نامه‌های فروغی است. این نامه‌ها در موضوع، بیان ساده و نقل شاهد، شباهت زیادی به منشآت دارند. البته، میان این دو متن تفاوت‌هایی هم هست که در ادامه به وجوه همسانی‌ها و دگرسانی‌ها می‌پردازیم.

۲. ۲. شباهت‌های سبکی نامه‌های فروغی و قائم‌مقام

ازآنجاکه فروغی با تکیه بر ادبیات و سبک نامه‌نگاری کهن مکاتبات خود را تدوین می‌کرد، اثر نامه‌های قائم‌مقام را بر نوشته‌های او می‌توان دید. فروغی در شخصیت، جایگاه و ارتباطات اجتماعی شباهت‌های قابل‌توجهی به قائم‌مقام داشته است؛ ازاین‌رو، نامه‌های فروغی با منشآت قائم‌مقام مشابهت‌های سبکی دارد. این مشابهت‌ها در سه حوزهٔ ساختار نامه‌ها، شگردهای ادبی و ویژگی‌های زبانی، قابل تقسیم‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

جدول ۳. شباهت‌های سبکی نامه‌های فروغی و قائم مقام

Table 3. Stylistic Similarities Between Foroughi's and Qa'im Maqam's letters

حوزهٔ اصلی مشابهت سبکی	حوزهٔ فرعی ۱	حوزهٔ فرعی ۲	حوزهٔ فرعی ۳	حوزهٔ فرعی ۴
ساختار نامه‌ها	آغاز سخن با ابراز دوستی و ارادت به مخاطب	ترتیب و بخش‌بندی نامه‌ها	مطرح‌کردن موضوع در میانه	پایان‌نامه با عبارت یا مصراع
شگردهای ادبی	کاربرد استشهاد ادبی	نقل ابیات و مصراع‌ها	عبارات منثور عربی یا فارسی	کاربرد ضرب‌المثل‌های ساده و عامیانه
ویژگی‌های زبانی	غلبهٔ کاربرد جملات کوتاه بر بلند	جملات معطوف و مرتبط با یکدیگر	تکرار فعل و واژه‌های مترادف	—

۲. ۲. ۱. آغاز سخن با ابراز دوستی و ارادت به مخاطب

گیرندگان نامه‌های فروغی و قائم‌مقام، افرادی فرهیخته و در جایگاه دوست یا همکار ایشان بودند. به‌این‌دلیل، نویسندگان، نامه‌ها را با عباراتی آغاز می‌کردند که نشان‌دهندهٔ رابطهٔ دوستانه و صمیمی بوده است. در بخش آغازین نامه‌های قائم‌مقام، چندین عبارت با این هدف نگاشته شده، ولی فروغی بر سبیل ایجاز رفته است. فروغی با یک عبارت یا در مواردی که می‌خواهد سخن از نهایت صمیمیت یا شوق به دیدار فرد بزند، با دو یا سه عبارت، مراتب ارادت خود را بیان می‌کند، درحالی‌که این عبارات در نامه‌های قائم‌مقام قدری دشوارتر و طولانی‌تر است.

قربانت شوم روزگار و هرچه در وی است بس ناپایدار است... اما امیدوارم سحر نزدیک باشد (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۷).

گرامی دوست محترماً مدتی است که از فیض عریضه‌نگاری خدمت حضرت مستطاب‌عالی محروم مانده‌ام (همان، ۹۵).

مخدوم مطاع مشفق مهربان من، آمَنتُ بمَن نُور بک الظُّلم و أوضح بِک البُهم و جَعَلَکَ آیَهً من آیاتِ مُلکِهِ و علامهً مِن علاماتِ سُلطانهِ (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۵۱).

۲. ۲. ۲. ترتیب و بخش‌بندی نامه‌ها

ساختار نامه‌ها در هریک از موضوعات اجتماعی، سیاسی یا دوستانه یکسان است. هرچند نگارندگان گاه به‌تعجیل این نامه‌ها را می‌نوشته و فرصتی برای پاک‌نویس‌کردن نداشته‌اند، این ساختار را حفظ می‌کردند: مقدمه و پیش‌زمینه‌ای برای ورود به بحث، بیان مطلب اصلی در میانهٔ نامه، و نگارش خاتمه‌ای برای سخن. این ساختار را می‌توان در نامه‌های نقل‌شده در متونی همچون *شاهنامه* ملاحظه کرد. علاوه‌براین، چنین ساختاری در نگارش کتاب‌های منثور

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]

[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

ادب فارسی حفظ می‌شده است. کتاب‌هایی مانند *مرزبان‌نامهٔ* وراوینی و ترجمهٔ نصرالله منشی از *کلیله و دمنه* نمونه‌هایی از این دست هستند.

فروغی در نامهٔ خصوصی و دوستانهٔ خود به محمود وصال، سه بخش را درنظر می‌گیرد. بخش میانه به‌سبب مطرح‌شدنِ موضوعات دوستانه و اجتماعی طولانی می‌شود، ولی این ترتیب بر هم نمی‌ریزد و مقدمه و خاتمه، قبل و بعد از آن ذکر می‌شود.

> قربانت شوم روزگار و هرچه در وی هست بس ناپایدار است... اما امیدوارم سحر نزدیک باشد. اتفاقاً تاکنون اغلب اوقاتی که وسیلهٔ ارسال مکاتیب به طهران به‌دست آمده، وقت چنان مضیق بوده که مجال عریضه‌نگاری جداگانه نداشته‌ام (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۷).

این نامه که از تمام اجزای آن می‌توان صمیمیت دوسوی فرستنده و گیرنده را دریافت، پس از ذکر آنچه در این روزگار بر نویسنده می‌گذرد، با چند عبارت زیبا پایان می‌یابد.

> به تاریخ شمسی امروز درست یک‌سال است که از طهران حرکت کرده و از حضور عزیزان مهجورم. درصورتی‌که به فرمودهٔ شیخ اجل: یک شب فراق باشد، بر من به طول سالی! (فروغی، ۱۴۰۰: ۸۲).

قائم‌مقام گاه در ابتدای نامه عباراتی را به‌عنوان براعت استهلال و مقدمهٔ بحث به‌کار می‌برد:

> عرضه داشت تالان‌زده قدیم، آه ز افشار! آه از این قوم! آه از آن دم! این‌ها همه سهل است. آه از رقم ترجمان و فرمان تالان و محصل قاجار و دادن ناچار! امان از چاقو! امان از مقراض! دو سر خواستند، چار سر دادیم! یکی فرمودند، دوتا فرستادیم (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۶۸).

در ادامهٔ همین نامه، که مخاطب آن میرزابزرگ نوری است، موضوع نابسامانی روزگار و گله از ابنای دهر را مطرح می‌کند و نامه را چنین به پایان می‌برد:

> مثل آذربایجان که یک ولایتی است در زیر لگد دو دولت روس و شیعه. از دو گوش مدعی آنجا بودند، روم هم حالا از گوشهٔ دیگر درآمد و مدعی ایروان است. فَعَزَّزناهُ بثالثٍ (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۶۹).

۲. ۲. ۳. مطرح‌کردن موضوع در میانه

در نگاهی کلی، می‌توان تشخیص داد که جایگاه طرح موضوع اصلی و مهم، میانهٔ هر نامه است. آنگاه که در نکات فرعی هر نامه دقت کنیم، می‌توانیم چنین ساختاری را برای این نکات هم بیابیم. قائم‌مقام و فروغی برای هر مسئله، مقدمه و خاتمه بیان می‌کنند. این مقدمه می‌تواند خاتمهٔ بخش قبلی باشد و مسائل یکی پس از دیگری مطرح شوند. مسائل عموماً

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

به‌ترتیب اهمیت یا تاریخ رخداد بیان می‌شوند و ذیل یک موضوع کلی قرار می‌گیرند. این موضوع می‌تواند گزارش یا فرمان به انجام کارهایی به‌واسطهٔ افرادی خاص باشد.

قائم‌مقام در نامه‌ای که به شاهزاده‌خانم، همشیرهٔ صلبی و بطنی نایب‌السلطنه، نوشته است سخن را بسیار صمیمانه و شاعرانه پیش می‌برد و در میانهٔ اشعار مطلب اصلی را بیان می‌کند (ر.ک: قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۱۰۵). فروغی نیز در چهار نامه که به سیدحسن تقی‌زاده نوشته، هرچند مختصر، قائل به ذکر ابتدا و انتها در پیش و پس مطلب اصلی شده است (ر.ک: فروغی، ۱۴۰۰: ۹۵-۱۱۰).

۲. ۲. ٤. پایان نامه با عبارت یا مصراع

شاهدهای متنی در انتهای نامه، جامع‌تر از شواهدِ ذکرشده در متن بوده است. این کاربرد که حسن ختامی برای این ارتباط مکتوب قلمداد می‌شده، کارکردهایی همچون ماندگاری مفهوم و صورت بیت یا عبارت و تلطیف فضای نامه داشته است. این درحالی است که محتوای بسیاری از نامه‌های این دو سیاستمدار با گزارش رخدادهای ناخوشایند و بحران‌های سیاسی و اجتماعی گره خورده و تلطیف فضای گفت‌وگوی مکتوب، اندیشه‌ای هوشمندانه است.

> ایران اول باید وجود پیدا کند تا بر وجودش اثر مترتب شود. وجود داشتن ایران، وجود افکار عامه است. وجود افکار عامه، بسته به این است که جماعتی ولو قلیل باشند، از روی بی‌غرضی در خیر مملکت کار بکنند و متفق باشند. اما افسوس، بس گفتم زبان من فرسود» (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۶).

این قول، در شمار امثال و حکم آورده شده است: «بس که گفتم زبان من فرسود. نظیر: بس که گفتم زبانم مو درآورد» (دهخدا، ۱۳۶۱: ۱/ ۴۳۹).

> دوست عزیز، خاطرت را فرسودم، معذور دار ما را و اجازه بده یک کلمهٔ دیگر بگویم (فروغی، ۱۴۰۰: ۲۹۳).

به بخشی از بیت حافظ اشاره شده است:

«حافظ به خود نپوشید این خرقهٔ می‌آلود ای شیخ پاکدامن، معذور دار ما را»
(حافظ، ۱۳۶۲: ۲۶)

قائم‌مقام در انتهای یکی از نامه‌ها، یک بیت از شیخ اجل را این چنین نقل می‌کند:

«از دُنیی و آخرت گریز است وز صحبت دوست ناگزیرم
اللهم ارزقنا والسلام»
(قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۸۶)

این بیت، بیت دوم از غزل ۴۴۶ سعدی است. به مطلعِ:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

گر من ز محبتت بمیرم دامن به قیامتت بگیرم

(سعدی، ۱۳۸۰: ۶۲۷)

قائم‌مقام، علاوه‌بر اشعار دیگران، از سروده‌های خود هم در پایانِ نامه‌ها بهره می‌برد:

این چطور مطلب نگاری و دلربائی بود؟ که تا مهر از سر نامه برگرفتم، بی‌اختیار شعلهٔ شوق سرکش شد و خرمن صبر آتش گرفت، من نمی‌دانم که این جنس سخن را نام چیست؟

یک دلیری کنم قرینهٔ شرک نکنم لا اله الّا الله

(قائم مقام، ۱۴۰۰: ۵۴)

۲. ۲. ۵. کاربردِ استشهاد ادبی

یکی از شیوه‌های تأکید بر معانی و اثبات آنها نقل گفتارهای مشهوری است که برای مخاطب آشناست یا در جامعه معتبر است. این‌گونه استشهادهای ادبی، بیش از هر اشارهٔ سبکی و غیرمستقیم، یادآور متون کهن و برقرارکنندهٔ ارتباط میان اجتماع و میراث فرهنگی است. استشهادهای ادبی در نامه‌های فرهیختگان از متونِ مشهور هستند و می‌توان با تأمل در آنها، فضا و تفکر حاکم بر جامعه و همچنین کتاب‌های محبوب در دورهٔ نگارش نامه‌ها را دریافت. این نمونه‌ها را می‌توان در دو دستهٔ نقل مصراع یا بیت و عبارات منثور فارسی یا عربی تقسیم کرد.

۲. ۲. ۶. نقل ابیات و مصراع‌ها

استشهادهای منظوم، گاه به‌صورت یک بیت و گاه به‌صورت مصراع، در بخش‌هایی از کلام نقل می‌شوند. گنجاندن شاهدهای متنی در این بخش‌ها با هدف تأکید و ماندگاری بهتر در ذهن مخاطب صورت گرفته است. این جایگاه، انتهای پاراگراف‌ها و به‌منزلهٔ فرود کلام و پایان‌دادن به مبحثی فرعی در نامه است که با عبارت یا مصراعی آهنگین ماندگار می‌شود. چنانچه این عبارات از متن نامه‌ها حذف شوند، مطالب در ذهن مخاطب ماندگار نخواهد شد. درعین‌حال، این شواهد ادبی در میان موضوعات فاصله ایجاد می‌کنند و نشانه‌هایی آگاهی‌بخش‌اند که خواننده را از تغییر موضوع آگاه می‌کنند. استفاده از استشهادهای موزون موجب می‌شود موضوع فرعی با عبارتی دلنشین پایان یابد و خواننده موضوع را با آن مصراع یا بیت به خاطر بسپارد. این نکته از حیث نشر فرهنگ و ادبیات مهم تلقی می‌شود. ازسویی، نگارندهٔ نامه با استفاده از عبارات متون کهن از لایه‌های پنهان در آثار ادبی و معانی ثانویهٔ آنها بهره می‌برد و مفاهیمی را که بیان صریح آنها میسر نیست در قالب متن ادبی بیان می‌کند. قائم‌مقام نسبت به فروغی از عبارات عربی بیشتر بهره برده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

فقط امیدی که می‌توانم به خود بدهم این است که همان‌طورکه برخلاف قواعد عقلی تاکنون این ملت و دولت باقی‌مانده (اگرچه به کثافت و فضاحت) باز هم بماند، یا بهبودی یابد و الّا در جبین این کشتی نور رستگاری نیست (فروغی، ۱۴۰۰: ۹۹).

بیت در مدخل «نسیم شمال» و در بخش سروده‌های او در *لغت‌نامهٔ* دهخدا مذکور است:

این زمین بی‌حاصل جای آبیاری نیست بر جبین این کشتی نور رستگاری نیست

(دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴/ ۲۲۴۷۳)

رقمیجاتِ مفصلِ مصحوبِ ذوالفقاربیک رسیده بود. عریضهٔ مختصر در جواب می‌نوشتم. تا اواسط صفحه طوری با هم راه آمدیم، آنجا قلم سرکشی کرد، عنان از دستم گرفت، پیش افتاد، دیدم بی‌پیر از خامهٔ سرکار وقایع‌نگار اقتباس کرده؛ زاغ است و زاغ را صفت کبک آرزوست (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

خاقانیا! خسان که طریق تو می‌روند زاغند و زاغ را صفت بلبل آرزوست

(خاقانی، ۱۳۹۱: ۸۳۹)

در حاشیهٔ همین صفحه از *دیوان خاقانی*، از نسخه‌بدل، «روش کبک آرزوست» نقل شده است.

۲. ۲. ۷. عبارات منثور عربی یا فارسی

این استشهادهای کوتاه که در میانهٔ مطلب ذکر می‌شود، کارکرد متفاوتی با نوع نخستین دارد. برخلاف نوع نخست، این عبارات مطلب را خاتمه نمی‌دهند و دوسوی سخن را به هم پیوند می‌زنند. در این نوع نقل شاهد، از نمونه‌هایی بهره گرفته می‌شود که مصداقی برای گفتارهای پیشین باشد یا درقالب عبارتی بسیارکوتاه، معنای محوری را برای مخاطب بیان کند. این جملات عموماً مسجع‌اند و به‌سبب آهنگین‌بودن، در ذهن مخاطب ماندنی‌تر خواهند بود.

آیا غیر از این چاره داریم که به نماز ایستاده دست به دعا برداشته، بگوییم: الهی عاملنا بفضلک و لاتعاملنا بعدلک (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۸).

زیرا هرچند هیچ وقت قرآن و شمایل از جیب و بغل بیرون درنیاورده‌ام، کاملاً معتقدم که در عالم حقیقتی هست و به او اتکا و اتکال دارم و هو نعم الوکیل (همان، ۲۹۰).

می‌فرمایید در این مدت کسی به فکر من نیفتاد. بفرمایید کسی به فکر چه افتاد؟ آنچه من می‌بینم در این مملکت همه‌کس از اعلی و ادنی بدون استثنا (یعنی اگر استثنایی باشد همان در حکم النادر کالمعدوم است) وجههٔ همتش تحصیل مال است و بس (همان، ۹۸).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

جلوش را محکم کشیدم. خانه‌خراب همه مرغ، طوطی و بلبل می‌شود که بی‌پرده عاشق باشد و خوش‌لهجه و ناطق گردد. مُت بِداءِ الصّمتِ خیرٌ مِن داءِ الکلامِ. و ما أرسَلنا مِن رسولٍ الّا بلسانِ قومِه (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

۲. ۲. ۸. کاربردِ ضرب المثل‌های ساده و عامیانه

زبان عامهٔ مردم به‌نوعی فاصله‌گرفتن از صورت معیار زبان به‌حساب می‌آید:

زبان معیار یکی از گونه‌های رایج در جامعهٔ زبانی است که با تغییراتی در صورت و ساخت (تدوین و تثبیت)، نیز نقش و کارکرد آن (گسترش نقش و کارکرد) ایجاد می‌گردد و ازسوی اکثر افراد جامعهٔ زبانی به‌عنوان الگوی زبانی معتبر پذیرفته می‌شود و در نوشتارهای رسمی و گفتارهای برنامه‌ریزی‌شده به‌کار می‌رود (سارلی، ۱۳۸۷: ۴۳).

از دیگر روش‌های ایجاد صمیمیت میان نویسنده و خوانندهٔ نامه، استفاده از عبارات ساده و عامیانه است که گاه صورت شوخی و مطایبه به خود می‌گیرد. هرچند ذکاءالملک و قائم‌مقام هردو از مفاخر فرهنگ و تاریخ ایران هستند، از جوّ عمومی جامعه و فرهنگ کوچه و بازار جدا نمی‌شوند. برخی از کاربردهای چنین عباراتی، گاه با قصد کنایه است، گویی نویسندگان می‌خواهند به اولیای امور طعنه بزنند و بگویند درحالی‌که عامهٔ مردم از این مسئله باخبرند یا برای حل این مشکل ایده‌ای دارند، فضلا ناآگاه‌اند یا سکوت اختیار کرده‌اند. درباب قائم‌مقام می‌توان از هوشمندی و موقعیت‌سنجی او یاد کرد، نکته‌ای که فروغی هم بدان بسیار پایبند است:

میزان بهره‌گیری منشآت قائم‌مقام از زبان عامه به موضوع و مخاطب نامه و هم‌چنین احوال وی بستگی کامل دارد. قائم‌مقام با استعداد شگرف و شمّ ساحرانهٔ خود و با اشرافی که بر علوم بلاغی از جمله معانی داشته و به موجبِ سخنِ «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد»، به خوبی دریافته بود که نامه‌های جدی و رسمی در پذیرش واژه‌های عامیانه و متداول کوچه و بازار یا مثل‌ها و اشعار عامیانه بسیار مقاومت نشان می‌دهند و استعمال این عناصر در چنین نامه‌هایی به دشواری صورت می‌گیرد یا محال است؛ اما در مقابل، نامه‌های دوستانه، فضای خودمانی و عاطفی و صمیمی می‌طلبد و عناصر عامیانه نیز این اهداف را تقویت می‌کند و البته پس از گذشتن از صافیِ ذوق نویسنده اجازهٔ ورود می‌یابند (مهدوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰۴).

همین نکات را درباب فروغی می‌توان مطرح کرد. او با سنجش موقعیت، از امثال و واژه‌های عامیانه بهره می‌برد و فضای نامه را (به‌ویژه در نامه‌های دوستانه) تلطیف می‌کند. البته، قائم‌مقام از عبارات و واژه‌های عامیانه بیش از ضرب‌المثل بهره برده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

دولت روم هم به تأیید شاه مردان، ضربی خورده و حسابی برده‌اند... مردمانِ اهلِ سنگینِ متینی هستند، این‌قدر سبک و تنگ و جاهل نیستند که دنبال گَرد صحرا بیفتند و از پیِ مرغ در هوا روند (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۵۲).

که عریضه را محمودخان همراه نیاورده، میرزا هدایت دمق به صف آمد و محمودخان دمق از دیوانخانه دررفت و شاه دمق از تخت برخاست (همان، ۱۰۷).

سوار نقاب‌انداز اردبیل که بود و سبب شبروی انزلی و کسکر چه بود؟ قراول‌های دریاکنار را با جنّ و پری سروکار است یا باقلای خام و اشپل ماهی بخارکرده؟ (همان، ۱۰۴).

یکی از نمونه‌های نگارش صمیمانه و کاربرد عبارات و واژه‌های ساده، نامهٔ قائم‌مقام به همشیرهٔ نایب‌السلطنه است که در انتهای این نامه ابیاتی از خودش هم نقل می‌کند:

دیشب اینجا نبودید، اوقات بر من تلخ بود. نه خواب کردم نه کار تا حالا که صبح شد... اما نمی‌دانم جواب نایب‌السلطنه را امروز چه بگویم که دیشب از دست شما هیچ‌کار از پیشم نرفته، تا حالا که دو ساعت از روز گذشته، هیچ نخوابیده‌ام،... آه از دست تو! آه از دست تو! (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

رفقا هم بِینی و بین الله همه خوب بودند (فروغی، ۱۴۰۰: ۶۶).

چقدر می‌شود به سیلی صورت خود را سرخ نمود؟ (همان، ۷۴).

اگر می‌دیدید انگلیس‌ها درعین‌اینکه خود را از تگ‌وتا نمی‌اندارند، چقدر متزلزل و نگران بودند و هستند. اما چه فایده؟ ملت ایران که در بین نیست (همان، ۷۸).

افسوس در همین است که اگر دنیا را آب ببرد ما را خواب برده است (همان، ۸۰).

۲. ۲. ۹. غلبهٔ کاربرد جملات کوتاه بر جملات بلند

زمانی که خوانندهٔ نامه نسبت به موضوعی آگاه است و در نامه چندین موضوع مطرح می‌شود، از جمله‌های کوتاه بهره می‌برند. در مقابل، هنگامی که مخاطب از موضوع سخن یا رخدادی خاص بی‌اطلاع است، نیاز به ارائهٔ توضیح در جملات طولانی‌تر هست. فروغی و قائم‌مقام آنگاه که قصد شرح واقعه یا ارائهٔ گزارشی به مخاطب خود دارند، از جملات طولانی‌تر استفاده می‌کنند؛ ولی زمانی که از مفاهیم آشنا سخن می‌گویند، از جمله‌های کوتاه بهره می‌برند.

کار دنیا شوخ نیست، جدّیت می‌خواهد، عقل می‌خواهد، دلسوزی برای مملکت می‌خواهد (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۸).

اگر چنین سخنی شنیدی، زنهار فریب مخور، ظاهربین مباش، حقیقت پنهان نمی‌ماند. درست که جمع و خرج کنی، باز صرفه در درستی و راستی است و من نباخته‌ام. تحقیق مطلب طولانی است و فعلاً مجال بحث آن نیست (فروغی، ۱۴۰۰: ۲۹۴).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

حالا که این‌طور اتفاق افتاد، کاغذها و آدم‌هایی که از جانب او می‌رفتند، جا ندارد که بروند. اگر نروند هم موعد کرور می‌رسد و ایلچیانی که بدتر از محصلین غلاظ و شدادند، خواهند آمد. پولی در خزانهٔ عامره موجود نیست، اهل ایران هم برای حفظ مملکت یک دینار هم نمی‌دهند. ولیعهد مرحوم مغفور هم در حیات نیست که فکری و دست و پایی بکند (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۲۷۶).

۲. ۲. ۱۰. جملات معطوف و مرتبط با یکدیگر

مطالبی که در نامه‌ها مطرح می‌شوند، ازآنجاکه مربوط به یک موضوع کلی و حاکی از اتفاقات یک بازهٔ زمانی خاص هستند، با هم ارتباط دارند. این رخدادها که در تحلیل نویسندگان نامه‌ها اثرگذارند، در متن پی‌درپی می‌آیند، یا به‌واسطهٔ واو عطف به یکدیگر مرتبط می‌شوند. این‌گونه برقراری ارتباط در زمینهٔ شرح وقایع همزمان تاریخی یا واکنش‌های صاحب‌منصبان به رخدادهای خاص کاربرد داشته است.

درهرحال، دراین‌میانه، امید بزرگ به مجمع ملل است. اگر این اساس حقیقتاً درست شد، می‌توان امیدوار بود که بنای کار دنیا، فی‌الجمله، بر شالودهٔ صحت و حقیقت و عدل و حقانیت گذاشته می‌شود، اگر این هم نشد، تمام زحمات هدر است و صدماتی که مردم خورده‌اند، بیهوده بوده (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۱).

سست‌عنصری و سبک‌سری ما به‌جایی رسیده که ازیک‌طرف، جراید جدیدالتأسیس ما به‌مناسبت احوال روسیه، موسوم به «طوفان» و «آتشفشان» و «احشویروش» می‌باشند (به‌مناسبت اینکه وزیرمختار روس یهودی است). ازطرف‌دیگر، آخوند و ملا و روضه‌خوان، منکرِ مدارس جدیده شده، می‌خواهند در آنها را ببندند و روزنامه‌ای که برای نسوان طبع می‌شود، توقیف می‌کنند. مختصر خربازار غریبی است (فروغی، ۱۴۰۰: ۹۹).

اگر آن‌جناب چنین داند که این اظهار هم موهم گمانی خواهد شد که ما خود را درین ضمن ملاحظه کرده‌ایم، مأذون است که هیچ عرض نکند، یا اسم ما را بر زبان نیارد؛ چراکه ما خود را ناقابل‌تر از آن می‌دانیم که اسم ما در حضور باهرالنّور اشرف اقدس همایون مذکور شود که از ابتدای عمر هرگز هوا و هوسی از خود نداشته‌ایم. خصوصاً بعد از این قضیه که از دنیا و مافیها سیر شده‌ایم و از حیات خود دلگیری هستیم و به‌خدا که فرمایشات مصحوبی لاچین‌خان و فرمان‌های مرحمت‌آمیز همایون شاهنشاهی باعث شد تا حال راه می‌رویم؛ والّا نه چنان افسرده و پژمرده شده بودیم که تا نفس آخرین به حال توانیم آمد (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۲۷۸).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

۲. ۲. ۱۱. تکرار فعل و واژه‌های مترادف

این شیوه متأثر از سبک دورهٔ سامانیان است. در دوره‌های نخستین ادبیات، هنوز تکرار عبارات و واژه‌ها خسته‌کننده تلقی نمی‌شده و از روش‌های تأکید بر مفاهیم بوده است. با توجه به تسلط این دو ادیب سیاستمدار بر زبان، نمی‌توان تکرار فعل در نامه‌های ایشان را به‌سبب نیافتن جایگزین مناسب دانست، بلکه می‌توان برخاسته از اغراض بلاغی و در رأس آنها تأکید برشمرد. کاربرد مترادفات این نکته را آشکار می‌کند که نگارندگان از مفاهیم کاملاً آگاه بوده و از مترادفات برای شرح بهتر بهره برده‌اند.

به‌کلی از اوضاع مملکت و پلیتیک دولت و مذاکراتی که با انگلیس کرده‌اند و می‌کنند بی‌اطلاعیم و یک کلمه دستورالعمل و ارائهٔ طریق، نه صریحاً نه تلویحاً، نه کتباً نه تلگرافاً، نه مستقیماً نه به‌واسطه، به ما نرسیده (فروغی، ۱۴۰۰: ۶۸).

انسانیت دنیا را گرفت. تازه آن‌وقت درست فکر کنیم، ببینیم حقّاً از روی عدالت و انسانیت و مروّت وقتی که بخواهند با ما معامله کنند چه باید بکنند (همان، ۷۸).

بنده به‌اقتضای جبن و احتیاطی که با لذات دارم، به کنایه و رمز، معتقدم تا از سعایه و غمز محترز باشم (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

اگرچه ازجانب ایلچی انگلیس و مستر مک‌نیل نایب، مکتوباً و ملفوظاً، حرفی در این مواد نشنیده‌ایم، لکن یقین است آنها هم درباب حکیم‌باشی همین‌طور سخن‌ها خواهند گفت (همان، ۲۷۶).

درصد شباهت نامه‌های فروغی به منشآت قائم‌مقام، براساس ملاک‌های مطرح‌شده در نمودار زیر مشخص شده است:

نمودار ۱. میزان شباهت سبک فروغی به سبک قائم مقام

Chart 1. The Degree of Similarity Between Foroughi's style and Qa'im Maqam 's style

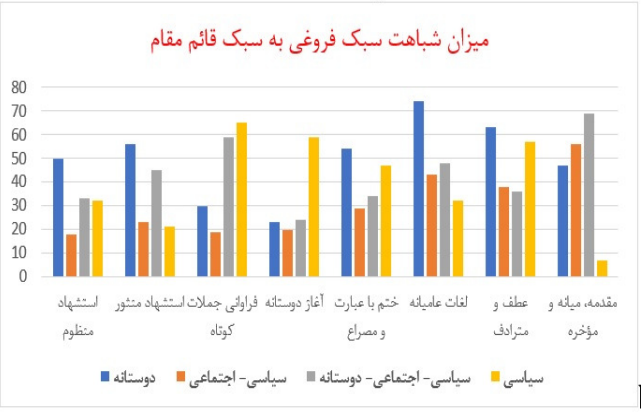

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

۲. ۳. تفاوت‌های سبکی نامه‌های فروغی و قائم‌مقام

علاوه‌بر شباهت‌های سبکی نامه‌های این‌دو ادیب، که برخاسته از مشابهت در آگاهی از علوم ادبی و مناصب سیاسی ایشان است، تفاوت‌هایی در شیوهٔ نگارش آنها جلب‌نظر می‌کند. این تفاوت‌ها، بیش از هر عاملی، نشئت‌گرفته از تفاوت در زمانه و نگاه به مسائل روز است. توجه به زمانه و مسائل روز نقطهٔ مقابل کهن‌گرایی و الزام به حفظ صورت کهن در نامه‌ها است. تفاوت اصلی شخصیت فروغی و قائم‌مقام ـ که موجب تنوع سبک نامه‌هایشان شده ـ انتخاب یکی از این دو عامل و التزام به آن است. قائم‌مقام تا جایی خود را ملزم به بهره‌گیری از سبک کهن می‌داند که با صرف‌نظر از برخی اصطلاحات و نام‌های جدید، اثرش با نامه‌های متون عهد خراسان و عراق یکسان شود. این درحالی است که فروغی با نگاهی نوگرا مسائل روز را با ادب کهن تلفیق کرده است. به‌عبارتی، تکیهٔ قائم‌مقام بر ادب کهن و اتکای فروغی بر مفاهیم دنیای جدید است. این تفاوت‌ها در دو دستهٔ مفهومی و لفظی قابل تقسیم‌اند.

۲. ۳. ۱. میزان شرح و تفصیل رخدادهای سیاسی

ازآنجاکه در صورت و مفاهیم *منشآت* قائم‌مقام کهن‌گرایی غلبه دارد، تحلیل رخدادهای سیاسی در نامه‌های او بسیار کوتاه است. ازاین‌نظر، شباهت فراوانی به شکوه‌های ادبای قدیم از اوضاع نابسامان جامعه دارد. این تحلیل‌ها در میانِ واژه‌ها و عبارات فارسی و عربی قرار می‌گیرد. درمقابل، فروغی اساس بیشتر نامه‌ها را بر بحث از جامعه و سیاست نهاده است. حتی در نامه‌های دوستانهٔ او، نگاه عمیق به مسائل و تحلیل رخدادها پررنگ است. منشأ این نگاه، اشتغال مداوم فروغی به منصب‌های عالی دولتی، ارائهٔ تحلیل و راهکارهای مطابق با سیاست روز و تلاش برای آگاه‌کردن مخاطب است.

> حضرت‌عالی می‌دانید که قحط‌الرجال امروزی ما نتیجهٔ آن است که در دورهٔ سلطنت ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه از لیاقت اشخاص صرف‌نظر شده و هوسناکی اولیایِ مملکت مدار امور بود. حالا به‌مراتب بدتر شده و فقط انتریگ و دسیسه و دسته‌بندی و فحاشی و بستگی به مقامات مقتدرهٔ خارجی و داخلی میزانِ پیشرفتِ مقصود است (فروغی، ۱۴۰۰: ۹۹).

> در سال قبل، موقعی که برای مجمع عمومی در ژنو بودم، شخصی از اهل ذوق نزد من آمده، گفت: جُنگی ترتیب داده‌ام که بسیاری از رجال حاضر در آن راجع‌به جامعهٔ ملل هریک به خط خود چیزی نوشته‌اند. از شما خواهش دارم چندسطری بنویسید. من عبارتی نوشتم که معنی آن این بود که: جامعهٔ ملل وقتی درست می‌شود که مردم بفهمند که مانند حیوانات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

نباید با هم در تنازع باشند، بلکه برای غلبه بر موانع طبیعی باید با یکدیگر متحد شوند و شعر مولانا جلال‌الدین رومی را شاهد آوردم که می‌فرماید:

جان گرگان و سگان از هم جداست متحد جان‌های مردان خداست

(فروغی، ۱۴۰۰: ۱۶۵)

اما حرب ساوه تُرک، خاصِ بهرام چوبینه است، سرهای بی‌تمکین را جز به پای بی‌تمکین نشاید سپرد، معارضه‌به‌مثل را از دست نباید داد، بلدهای راه از رهنمای آگاه بی‌نیازند. گمراهان محتاج دلیلند و رهبران کمیاب و قلیل (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۷۲).

بلی، با شما و سلمان در تجاهر ایمان برنمی‌توان آمد. سیفِ شاهر است؛ صدق ظاهر، مخصوص صادق مروزی. نه هرکس حق تواند گفت گستاخ (همان، ۱۲۰).

۲. ۳. ۲. کمیت و کیفیت کهن‌گرایی

مسئلهٔ کهن‌گرایی علاوه‌بر تأثیرگذاری بر رویکرد و مفاهیم نامه‌ها، بر صورت این آثار هم مؤثر است. درواقع، نگارنده با توجه به گسترهٔ آگاهی‌اش، مفاهیمی را برای بیان برگزیده و درقالب واژه‌ها و عبارات قرار می‌دهد. انتخاب مفاهیم از نظام ذهنی و تفکر غالب نویسنده سرچشمه می‌گیرد. این نظام در ذهن قائم‌مقام برپایهٔ اندیشه‌های عهد بازگشت و در ذهن فروغی، براساس تفکر غالب سیاست و حقوق دنیای جدید است. اتکای فروغی بر ادبیات فارسی، به‌سبب دانش گستردهٔ او و علاقه به ایران و فرهنگ آن بوده است، درحالی‌که تأثیر سبک خراسان و عراق بر کاربردهای لفظی و معنایی قائم‌مقام کاملاً آشکار است. در جایگاهی که استفاده از الفاظ فارسی و عربی در منشآت با انگیزهٔ لفظ‌پردازی و جلب توجه بوده، در نامه‌های فروغی، واژگان فارسی کهن با هدف زیباسازی و در حدّ تعادل به‌کار رفته است. این نکته مخاطب را جذب و همزمان با خواندن مفاهیم تازه، او را با ادب و فرهنگ کهن آشنا می‌کند.

بالاخره چندی‌قبل لرد کرزن که امروز سلسله‌جنبان پلیتیک آسیایی انگلستان است به پاریس آمد. مشاورالممالک را واداشتیم کاغذِ خیلی مؤدبِ گرمی به او نوشته تقاضای ملاقات کند. لیکن او یک روز بیشتر در پاریس نماند و ملاقات واقع نشد (فروغی، ۱۴۰۰: ۶۹).

تمام دنیا ضعیف شده، مدعی‌های بزرگ او از پا درآمده‌اند. چشم بد روزگار بگذارد، کار به کام است (همان، ۷۰).

درهرحال، برای ارمنستان و گرجستان هم خدا بزرگ است و دست حیله دراز (همان، ۷۱).

یغمای اول که در مقدمهٔ امیرخانی به بنگاه اولاد رسول رسید و آخرَ تابعٍ لهُ علی ذلک. غارت دویُم که در مقدمه سپهداری به خانوادهٔ احفاد بتول افتاد، اللهمَّ العَن العِصابَه الّتی دَخَلَت تَبریز و نَهَبَت البَیتَ اللبَّریزِ مِن الچاقوهای التّند و المِقراض‌های التّیز (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۶۸).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

۲. ۳. ۳. همه‌فهم و کاربردی‌بودن سبک

همان‌طورکه آثار سبک بازگشت در دورهٔ نگارش مخاطب محدودی داشته، منشآت قائم‌مقام هم، به‌سبب ادبیّت، مخاطب عام نداشته است. این نامه‌ها به‌دلیل اشتمال بر واژه‌ها و ویژگی‌های نثر کهن، در زمان خود و حتی دوره‌های بعد، امکان فهم همگانی نداشته‌اند. درمقابل، سادگی نسبی سبک فروغی و کاربرد معتدل آرایه‌ها، امکان فهم و کاربرد گسترده‌تر را فراهم آورده است؛ به‌گونه‌ای‌که قرائن متنی نکتهٔ مبهمی برای مخاطب باقی نمی‌گذارد. شیوهٔ فروغی مانند نثرنویسانی چون سعدی برای همهٔ دوره‌های پس از خودش قابل درک است.

فرانسوی‌ها گاهی از زیر فشارهای دیگر سردرآورده می‌گویند: بنا بود سوریه متعلق به ما شود، آن را هم به دسیسه و روکش‌کردن امیر حجاز، یک فکری برایش می‌کنند (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۰).

اما اوضاع داخلهٔ ممالک اروپا هم خوب نیست. ملت‌ها از دولت‌ها راضی نیستند و حوصله‌شان سررفته. عمله‌جات متصل گرو می‌کنند. الآن چند روز است بسیاری از عمله‌جات گرو کرده‌اند و محتمل است بسط پیدا کند... اروپایی‌ها هم از بسط و سرایش بلشویزم در ممالک خود فوق‌العاده واهمه دارند.... مادام که روسیه سامان نگیرد، تکلیف اروپای شرقی بلکه آسیا هم معلوم نمی‌شود (همان، ۷۱).

ذکری که در قرارنامهٔ صلح دولتین درباب ایل بابان و سنجاقات کردستان شده بود، به‌طرزی که البته مقروع سمع شریف عالی شده، مقبول طبع اشرف اعلی نیفتاد و کار به تجدید مکالمه از حضرت نیابت سلطنت افتاد و به عون الهی و بخت شاهنشاهی، سرعسکر جانب سرهنگ که به سفارت منصوب است نموده و اینک امروز که هفتم ربیع‌الثانی است، به رفاقت توفیقات سبحانی روانه می‌شود و امید هست که به وضع خوب، بی‌جنگ و آشوب، مقاصد این دولت در آن دولت ساخته شود و بار دیگر تیغ جدال بین‌المسلمین آخته نگرد (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۵۲).

۲. ۳. ٤. جایگاه مفاهیم نو و نوگرایی

سبک بازگشت ـچنان‌که از نام آن دریافت می‌شودـ برپایهٔ گرایش به گذشته است. پیروان این سبک از تحولات روز و دنیای معاصرشان استقبال نکردند و به تقلید از سبک و زبان پیشینیان دل‌بستند. این عامل در منشآت قائم‌مقام هم با گرفتارشدن در مفاهیم کهن و کم‌توجهی به نوگرایی و صورت‌های تازه قابل مشاهده است. این درحالی است که فروغی درکنار دل‌بستگی به ادب و فرهنگ کهن، به موقعیت‌ها و رخدادهای روز توجه دارد و گرایش او به نوشدن گرایشی متعادل و مفید است. این نگاه و تمایل به نوگرایی، با تکیه بر پشتوانهٔ

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

ادبی‌ـ فرهنگی، به نگاشته‌های او منحصر نشده است. درواقع، نگاه نوگرای ذکاءالملک از اندیشهٔ او سرچشمه گرفته است و ابتدا درقالب کنش‌های سیاسی‌ـ اجتماعی و سپس نامه‌های او آشکار می‌شود، به‌طوری‌که:

> به‌جِدّ می‌توان فروغی را روشنفکری عملگرا نامید؛ وی گذشته از تألیف و تحقیقات نوگرایانه در زمینه‌های مختلف فرهنگی، که برخی از آنها برای نخستین‌بار در زبان فارسی منتشر می‌شدند، در فعالیت‌های اجرایی و مقامات سیاسی نیز وارد شد و با پشتکار و پشتوانهٔ علمی و فکری که داشت، توانست بعضی از نهادهای مدرن را در ایران تأسیس و راه‌اندازی کند... قرارگرفتن فروغی در پست‌های سیاسی و فرهنگی ازیک‌طرف به عملی‌شدن اندیشهٔ تجدد در جامعه انجامید و ازطرف‌دیگر، باعث پدیدآمدن نهادهای مدرنی شد که چهرهٔ اجتماع و فرهنگ ایرانی را از الگوهای سنّتی دور می‌ساخت (حقدار، ۱۳۸۴: ۲۶).

عمل‌گرایی فروغی را از اظهاراتش دربارهٔ گفتار و رفتارِ خود می‌توان دریافت. او به مخاطب می‌گوید نباید از هیچ تلاشی فروگذار کنند و لازم است برای برقراری ارتباط با دنیا و قرارگرفتن در جریان رخدادهای نو بکوشند:

> وانگهی هر کاری باید کرد چرا نمی‌کند تا ما بتوانیم بگوییم ما مشغول هستیم؟ اظهار حیاتی، عرض لحیه‌ای، آخر همه را که نمی‌توان مغلطه کرد و گفت ایران مملکت داریوش و انوشیروان است. من چند مرتبه بوذرجمهر و نظام‌الملک و فردوسی و خواجه نصیر تحویل مردم بدهم؟ چقدر شعر بخوانم و عرفان ببافم؟
>
> خلاصه ازطرف‌دیگر هرچه سعی کردیم با انگلیسی‌ها نزدیک شویم و آنها را رام کنیم، گفتند ما در طهران با دولت ایران مشغول مذاکرات هستیم و عن‌قریب نتیجه حاصل می‌شود (فروغی، ۱۴۰۰: ۶۸).

فروغی علاوه‌بر اهمیتِ روی‌آوردنِ صاحب‌منصبان به تحولات روز، آشنایی مردم را با دنیای جدید مهم دانسته و بیش از هر نکته‌ای، ارتقای سطح افکار عمومی را مایهٔ پیشرفت تلقی کرده است:

> فروغی در تبیین سویه‌ای از عقب‌ماندگی سیاسی و اجتماعی ایران، به عنصر پایه‌ای افکار عمومی می‌پردازد. او بر این بود که بدون شناخت آحاد مردم از منافع ملی خود و بدون تعریف منفعت ملی، پدیدهٔ ملت مفهومی تهی و ناسازه است و جریان نوسازی کشور، فاقد یکی از ارکان مهم مدرنیتهٔ سیاسی است (حقدار، ۱۳۸۴: ۲۷).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

فروغی در نامهٔ خود به ابراهیم حکیم‌الملک پیشرفت کشور را در گرو وجود تفکرات مترقی در میان عامهٔ مردم می‌شمارد:

> ایران ملت ندارد. افکار عامه ندارد. اگر افکار عامه می‌داشت به این روز نمی‌افتاد و همهٔ مقاصد حاصل می‌شد. اصلاح حال ایران و وجود آن متعلق به افکار عامه است و اگر بگویید تعلیق و محال می‌کنی عرض می‌کنم خیلی متأسفم. اما درحقیقت نمی‌توانم صرف‌نظر کنم. من همه‌وقت از همه‌کس خوش‌بین‌تر بوده و باز هم خوش‌بین هستم. اما امیدم فضل خداوند است نه به اسباب ظاهر (فروغی، ۱۴۰۰: ۷۴).

این درحالی است که در نگاه و نوشتار قائم‌مقام، کهن‌گرایی بر نوگرایی غلبه دارد. قائم‌مقام در تدوین صورتِ نامه‌ها بیشتر پیرو قدما است و نگاه نو در نامه‌هایش کمرنگ است. قائم‌مقام تلاش کرده است با توجه نسبی به مردم، و شناخت ماهیت و رفتار آنها، اوضاع جامعه را بهتر تحلیل کند و در نامه‌ها از جامعه و حوادث روز سخن بگوید. این تلاش‌ها هرچند اندک بوده و در مقایسه با کهن‌گرایی او چندان پررنگ نیست، سرآغازی برای توجه فرهیختگان به مردم جامعه است و ارزشمند تلقی می‌شود.

> همین‌که ازین طرف سپاهی مستعد برود و قلاع مسترد بشود، ان‌شاءالله آرامی خواهند گرفت. مردمانِ اهلِ سنگینِ متینی هستند. این‌قدر سبک و تنگ و جاهل نیستند که دنبال گرد صحرا بیفتند و از پی مرغ در هوا روند. ایلات بابان از آفتاب روشن‌تر است که نوکر قدیم این دولت قویمند و اگر منکر و مشاجری باشد، برهانی قاطع مثل همراهان سرتیپ با نظم و ترتیب و سیف و سنان، طوع العنان در دست دارند (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۵۲).

۲. ۳. ۵. استفاده از واژه‌های غیرفارسی

ورود کلمات خارجی به هر زبان ـازجمله زبان فارسیـ امری ناگزیر است. علت این امر، جایگاه واژه‌ها به‌عنوان گذرگاهی برای ورود اندیشه‌های جدید در زبان‌های بیگانه است. استفاده از این کلمه‌های تازه‌وارد باید با رعایت تعادل باشد تا شمار آنها از واژه‌های فارسی بیشتر نشود. در نامه‌های قائم‌مقام غلبه با واژگان عربی است، به‌گونه‌ای‌که با وجود امکان جایگزینی واژه‌های فارسی با عربی، قائم‌مقام از واژه‌های عربی بهره برده است. کاربرد واژه‌های عربی به‌جای فارسی، موجب دورشدن از فرهنگ و زبان فارسی و سوق‌دادن اندیشهٔ مخاطب به‌سوی فرهنگ دیگری می‌شود. کلمات بیگانهٔ نامه‌های فروغی با مفاهیم سیاست روز دنیا یا پُلیتیک مدرن مرتبط است. ازآنجاکه محتوای بیشتر این نامه‌ها با بیان مفاهیم، و اظهارنظر و تفسیر واقعه‌های روز گره خورده، فروغی از کاربرد این واژه‌ها ناگزیر بوده است. درعوض، نامه‌ها با گنجاندن لغات مترادف،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

به‌گونه‌ای تدوین شده که مخاطب، مفهوم را به‌خوبی درک می‌کند. این درحالی است که مقصودِ قائم‌مقام در منشآت را تنها مخاطبِ فاضلِ همعصر او به‌خوبی می‌تواند درک کند.

یگانه وسیلهٔ تحصیل شغل و مقام و هر مقصود دیگر، امروز، دسته‌بندی و انتریک‌بازی و شارلاتانی است (فروغی، ۱۴۰۰: ۹۸).

تاکنون نه شارلاتانی کرده‌ام، نه خودستایی؛ نه هوچی بوده‌ام، نه انتریک‌باز؛ برای رسیدن به مناصب و امتیازات و تحصیل شهرت و نام، اسباب‌چینی و دسیسه‌کاری نکرده و تاکنون هر مقامی را دارا شده‌ام، اعم از وکالت و ریاست و وزارت، بدون استثنا آن مقام دنبال من آمده است، من از پی آن نرفته‌ام (فروغی، ۱۴۰۰: ۲۹۰).

کتاب شما غالباً کلیات نوایی بود و جزئیات هوایی را که مغلوب ساخت. این هنوز از نتیجهٔ سحر است. به فضل الله صبح‌های روشن و باغ‌های گلشن در پیش داریم... مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد، قامع الرأس عُجب نفس، باطل السحر کین و کبر، هباکُنِ هر هوا، فتورده هر غرور، جامع الخیرات، مانع الشرور (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۶۰).

شروحی چند که برحسب فرمایش در طی نگارش آمده بود، زیارت شد. آنچه نوشته بودید، آفت هوش بود و هرچه فرموده بودید، آویزهٔ گوش. خاطر همایونِ سلطانی، مهبطِ حکمت‌های سبحانی است که بندهٔ ناتوان را به رحمت بی‌کران مژدهٔ رحمت بدهد، لطمهٔ تربیت بزند، زخم و مرهم با هم فرستد و درد و درمان، توأم. سبقَت رحمه و وسعت کل شیئی نعمه (قائم‌مقام، ۱۳۸۶: ۸۷).

جدول‌های جمع‌بندی

در جدول ۴، تفاوتِ میزانِ پایبندی فروغی و قائم‌مقام در نامه‌هایشان، به هریک از ملاک‌های سبکی به‌صورت کمّی ذکر شده است:

جدول ۴. توصیف کمّی ویژگی‌های سبکی منشآت قائم‌مقام و نامه‌های فروغی

Table 4. Quantitative Description of the Stylistic Features in Qa'im Maqam's *monsha't* and Foroughi's Letters

شماره	ویژگی‌های سبکی	قائم‌مقام	محمدعلی فروغی
۱	میزان شرح و تفصیل رخدادهای سیاسی	٪۳۵	٪۷۳
۲	دلبستگی به کهن‌گرایی	٪۸۶	٪۳۷
۳	بهره‌گیری از واژه‌های عربی	٪۷۱	٪۳۳
۴	بهره‌گیری از واژه‌های فرنگی	٪۶	٪۵۷
۵	همه‌فهم و کاربردی‌بودن مطالب	٪۳۸	٪۸۹
۶	بهره‌مندی از مفاهیم مدرن	٪۲۲	٪۸۳

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

در یک نگاه تحلیلی، می‌توان حوزه‌های سبکی نامه‌های فروغی را به چهار دستهٔ اصلی زبان، فکر و اندیشه، بلاغت و مفاهیم تاریخی ـ اجتماعی تقسیم کرد. فروغی ازسویی دلبستهٔ ادبیات کهن فارسی است و نگاشته‌های او با این متون پیوند دارد. در مقولهٔ زبان و بلاغت، به‌سبب غلبهٔ کهن‌گرایی از منشآت الگو برداشته است، درحالی‌که در زمینهٔ اندیشه و اهمیت به مردم، نامه‌های فروغی نسبت به منشآت قائم‌مقام روی در امروزی‌شدن دارد؛ به‌این‌سبب، فروغی در نامه‌ها نگاهی نوگرایانه دارد. گفتنی است قائم‌مقام هم در منشآت به رخدادهای روز اعتنا می‌کرده، ولی ازآنجاکه مخاطب نامه‌هایش بیشتر صاحب‌منصبان بوده‌اند، شیوهٔ بیان او با این دسته از مخاطبان هم‌خوانی داشته است.

فروغی خود از دانش ادبی و سیاسی بهره داشته و در نگارش نامه‌ها مقلّدِ صِرف نبوده است؛ ازاین‌رو، شایسته است از تأثیرپذیری او از قائم‌مقام با عنوان تلفیق یاد کنیم؛ زیرا این تأثیرپذیری درواقع تلفیق شیوهٔ قائم‌مقام و دانش فروغی است. در برخی موارد هم شاهد نوآوری فروغی در سبک و اندیشه هستیم. ازآنجاکه چنین نمونه‌هایی وابسته به زمانهٔ فروغی و در شمارِ مسائل روز هستند، نمی‌توان ردپای منشآت قائم‌مقام را در سبک و سیاق آنها مشاهده کرد.

در جدول ۵، ویژگی‌های سبکی نامه‌های فروغی و کیفیت تلفیق یا نوگرایی در هریک از آنها مشخص شده است. درمقابلِ نمونه‌هایی که فروغی در تدوین آنها از منشآت الگو گرفته، واژهٔ تلفیقی و در مقابلِ مواردی که استقلال سبک و نوآوری دارد، واژهٔ نو ذکر شده است.

جدول ۵. تقلید و نوآوری در ویژگی‌های سبکی نامه‌های فروغی

Table 5. Imitation and Innovation in the stylistic Features of Foroughi's Letters

شماره	ویژگی‌های کلی	ویژگی‌های جزئی	تقلید و نوآوری
۱	زبان	استفاده از زبان روزمره و مردمی	نو
		استفاده از شواهد ادبی	تلفیقی
۲	فکر و اندیشه	جایگاه نوگرایی	نو
		جامعیت اندیشه	نو
۳	بلاغت	سازگاری با درک مخاطب	تلفیقی
		توجه همه‌جانبه به مفاهیم	نو
۴	تاریخ- اجتماع- سیاست	مفاهیم روز و در جریان	تلفیقی
		دغدغه‌مندی برای رفع مشکل مردم	نو

۳. نتیجه‌گیری

در میان آثار ادبی فارسی، نامه‌ها از جمله آثاری هستند که در نگارش آنها از الگوهای مشابهی استفاده شده است. کیفیت این الگوها به عواملی مانند آگاهی‌های ادبی نگارنده و مخاطب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

نامه، موضوع و زمانهٔ نگارش بستگی دارد. علاوه‌بر شباهت‌های کلی ساختار نامه‌ها، برخی نامه‌نگاران به‌سبب شباهت در موضوع نوشته‌ها یا شخصیتشان، نامه‌هایی همسان نگاشته‌اند. از نمونه‌های این همسانی می‌توان به منشآت قائم‌مقام فراهانی و نامه‌های محمدعلی فروغی اشاره کرد، که هرچند همعصر نبوده‌اند، به‌دلیل شباهت در بهره‌مندی از دانش ادبی، جایگاه اجتماعی، مخاطب و موضوع نامه‌ها، مکاتباتی شبیه به هم دارند. قائم‌مقام و فروغی هردو از ادیبان و صاحب‌منصبان دولتی در روزگار خود بودند و این عامل را می‌توان عامل محوری در مشابهت سبک نامه‌نگاری آنها دانست. شباهت در جایگاه اجتماعی و آگاهی ادبی به‌عنوان یک عامل اصلی، عوامل فرعی همچون مخاطبان و موضوع همسان در نامه‌ها را به‌دنبال دارد. هردو ادیب، به دوستان و مقامات عالی‌رتبه نامه نوشته و مسائلی را در اغلب این نگاشته‌ها مطرح کرده‌اند. نظر به دانش و مطالعهٔ گستردهٔ فروغی در ادبیات و سیاست، همچنین شباهت در تصدی منصب دولتی با قائم‌مقام، می‌توان منشآت را از متون مورد تقلید فروغی در نامه‌نگاری به‌شمار آورد.

آنچه سبک نامه‌نگاری ذکاءالملک را از قائم‌مقام متمایز می‌کند، تفاوت در شرایط سیاسی و اجتماعی زمانه این دو نویسندهٔ بزرگ است؛ نگاه واپس‌گرای بازگشت و نگاه نوگرای معاصر. ذکر این نکته ضرورت دارد که با وجود اینکه فروغی بر گنجینهٔ غنی مفاهیم تاریخ و ادبیات فارسی تکیه داشته، نه‌تنها با نوگرایی مخالفت نکرده، بلکه در این راه پیشرو بوده و از امرِ مهمِ درشمارآوردن مردم و تلاش برای حلّ مشکلات آنها استقبال کرده است. همین نوگرایی و طرح مسائل روز با محوریت کل جامعه، سبب شده است که نثر فروغی در مقابل منشآت قائم‌مقام، ساده و همه‌فهم‌تر شود. سخن آخر آنکه، فروغی با این شیوهٔ نامه‌نگاری، روش قائم‌مقام را با نگاهی تازه تلفیق و قالبی ایجاد کرد که می‌توان امروزه هم برای نامه‌نگاری دوستانه و هم برای پرداختن به مسائل اجتماعی‌ـسیاسی از آن بهره برد.

قدردانی

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی پسادکتری رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، مصوب بنیاد ملی نخبگان است و با حمایت مالی این بنیاد و به میزبانی دانشگاه خوارزمی انجام شده است. نگارندگان این مقاله، مراتب تشکر خود را از حمایت بنیاد ملی نخبگان تقدیم می‌دارند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

منابع

آشوری، هنگامه؛ اسکندری، سپیده؛ اوحدی، مهرانگیز (۱۴۰۱). مقایسهٔ بیانی گلستان سعدی و منشآت قائم‌مقام فراهانی. *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی* (بهار ادب). شمارهٔ ۷۵: ۱۰۱-۱۱۶.

ایشانی، طاهره؛ عاملی رضایی، مریم؛ ذکایی، فرشته (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان منشآت خانوادگی قائم‌مقام فراهانی براساس نظریهٔ کاربردشناسی اصول ادب. *ادبیات پارسی معاصر*. سال یازدهم. شمارهٔ ۱: ۳۱-۵۳.

بیرنگ، محمدرضا؛ تجلیل، جلیل (۱۳۹۶). بررسی ابعاد استشهاد به‌عنوان یک آرایهٔ تعلیمی در منشآت قائم‌مقام در مقایسه با گلستان. *زبان و ادب فارسی (نشریهٔ سابق دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تبریز)*. شمارهٔ ۲۳۶: ۴۱-۵۷.

حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۲). دیوان حافظ. تصحیح و توضیح: پرویز ناتل خانلری. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.

حسنی، طاهره؛ صحرایی، قاسم (۱۳۹۹). نگرشی بر مؤلفه‌های تربیتی و اخلاقی در بهارستان جامی و منشآت قائم‌مقام. *مطالعات شهریار پژوهی*. سال هفتم. شمارهٔ ۲۷: ۵۱۳-۵۳۰.

حقدار، علی‌اصغر (۱۳۸۴). *محمدعلی فروغی و ساختارهای نوین مدنی*. تهران: کویر.

خاقانی، بدیل‌بن‌علی (۱۳۹۱). *دیوان خاقانی شروانی*. به‌کوشش سید ضیاءالدین سجادی. چاپ دهم. تهران: زوار.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۱). *امثال و حکم*. جلد اول. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. جلد ۱۴. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.

سارلی، ناصرقلی (۱۳۸۷). *زبان فارسی معیار*. تهران: هرمس.

سعدی، مصلح‌بن‌عبدالله (۱۳۸۰). *غزلیات سعدی*. براساس چاپ محمدعلی فروغی و حبیب یغمایی. به‌کوشش کاظم برگ‌نیسی. تهران: فکر روز.

علامی، ذوالفقار؛ کیانیان، فریبا (۱۳۸۹). مقایسهٔ سبکی منشآت قائم‌مقام و گلستان سعدی. *فنون ادبی*. شمارهٔ ۲: ۸۹-۱۱۰.

فروغی، محمدعلی (۱۴۰۰). *سیاست‌نامهٔ ذکاءالملک*: مقاله‌ها، نامه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی محمدعلی فروغی. به‌کوشش ایرج افشار و هرمز همایون‌پور. تهران: موقوفات دکتر محمود افشار.

قائم‌مقام، ابوالقاسم‌بن‌عیسی (۱۳۸۶). *منشآت قائم‌مقام فراهانی*. به‌کوشش سید بدرالدین یغمایی. تهران: نگاه.

مهدوی، بتول؛ خلیل‌اللهی، شهلا؛ شجاع تقی‌آباد، سمیه (۱۳۹۴). کاربرد زبان عامیانه، یکی از خصائص سبکی منشآت قائم‌مقام فراهانی. *فرهنگ و ادبیات عامه*. شمارهٔ ۵: ۱۸۵-۲۰۸.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]

[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

References in Persian

Âshouri, Hengâmeh; Eskandari, Sepideh; Owhadi, Mehrangiz (2022). A rhetorical comparative study of Golestan of Sa'adi and Monsha'at of Qa'im Maqâm Farâhâni, *Journal of the Stylistics of Persian Poem and Prose* (Bahâr-e- Adab), No. 75, 116-101. [In Persian]

Allâmi, Zulfaqâr; Kiâniân, Faribâ (2010). The Comparison between Monshaat's Ghaem Magham and Saddi's Golestan, *Literary Arts*, No. 2, 89-110. [In Persian]

Birang, Muhammad Reza; Tajlil, Jalil (2017). Studying Dimensions and Style of Affidavit as a Teaching Method in Qá'im Maqam's Monsha'at in Comparison with Sa'di's Golestan, *Persian Language and Literature* (Tabriz University), No. 236, 41-57. [In Persian]

Dehkhodâ, Ali Akbar (1982). *Proverbs* (*Amsâ'l va Hekam*), the first volume, 5th ed, Tehrân: Amir Kabir. [In Persian]

Dehkhodâ, Ali Akbar (1998). *Encyclopedia* (*Loghatnâmeh*), vol. 14, 2nd ed, Tehrân: Tehrân University. [In Persian]

Foroughi, Muhammad Ali (2021). *Siyasat-Name-ye Zoka Al-Molk*: Essays, Letters and Political Speeches of Muhammad Ali Foroughi, by Iraj Afshâr, Hormoz Homâyounpour, Tehrân: Mahmoud Afshar Publications. [In Persian]

Hâfiz (1983). *Collection of Poems*, by Parviz Nâtel Khânlari, 2nd ed, Tehrân: Khârazmi. [In Persian]

Haqdâr, Ali Asghar (2005). *Muhammad Ali Foroughi and Modern Civil Structures*, Tehrân: Kavir. [In Persian]

Hassani, Tâhereh, Sahrâyi, Qâsim (2021). A Study on Educational and Moral Component Elements in Bahârestan of Jâmi and Monsha'at of Qa'im Maqam, *Shahriâr Pajoohi Studies*, Year 7, No 27, 513-530. [In Persian]

Ishâni, Tâhereh; Zokaee, Fereshteh; Âmeli Rezaei, Maryam (2021). Analysis of Ghaem Magham Farahani's family letters based on the theory of application of the principles of politeness, *Contemporary Persian literature*, Year 11, No 1, 31-53. [In Persian]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]
[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]

Khâqânī, Badīl ibnʾ Ali (2012). *Khâqânī Sharvanī's Collection of Poems*, by Seyyed Zia-Al-din Sajjâdi, Tehrân: Zavvâr. [In Persian]

Mahdavi, Batoul; Khalilullâhi, Shahlâ; Shojaʾ Taghiâbâd, Somayyeh (2014). Using Slangs, One of Qa'im Maqâm Farahani's Stylistic Features in His Monsha'at *, Folklore culture and Literature*, No. 5, 185-208. [In Persian]

Qa'im Maqâm, Abu Al-Qasim ibnʾ Isâ (2007). Monsha'at of Qa'im Maqâm Farâhâni, Edited by Seyyed Badr Al-Din Yaghmâyi, Tehrân: Negâh. [In Persian]

Saʾdī, Mosleh ibnʾ Abdullah (2001). *Saʾdī's Sonnets* (Ghazaliât of Saʾdi), by Kâzem Bargnisi, Tehrân: Fekr-e Rooz. [In Persian]

Sârli, Nâsser Qoli (2007). *Standard Persian Language*, Tehrân: Hermes. [In Persian]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1403.32.97.19.9]

[DOI: 10.61186/jpll.32.97.237]